

مبانی فقهی مناسب‌سازی برای معلولین^۱

Jurisprudential Foundations of Fitting (making appropriate environments) for the Disabled People

Hassan Aboutalebi,¹ Mohammad Jafari Harandi,² Seyed Mohammad Reza Ayati³

Introduction: Disability is defined as the incapability of performing all or part of the normal activities of individual or social life due to congenital or acquired defects in the physical or mental abilities. Giving rights of disabled people and empowering them to have an independent life and to participate in all aspects of life rely on making appropriate urban environments.

Disability and challenge of environment appropriateness in the current era are an irrefutable truth. Modern societies deal with this fact in an actual manner and to this large minority, they give rights and are committed to performing them.

Critical review of resources: The question of whether the government has an obligation to provide equal access for disabled people has not been addressed in the written works on the rights of people with disabilities, which has been criticized.

1. Ph.D. Student in Jurisprudence and Basics of Law
2. Ph.D. in Jurisprudence and Basics of Law
<harandi_lawyer@yahoo.com>
3. Ph.D. in Jurisprudence and Basics of Law

حسن ابوظالبی،* محمدجعفری هرنیدی،** سید محمد رضا آیتی***

مقدمه: معلولیت به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از فعالیتهای عادی زندگی فردی یا اجتماعی به علت وجود نقصی مادرزادی یا اکتسابی، در قوای جسمانی یا روانی اطلاق می‌شود. استیفای حقوق معلولین و توانمندسازی معلولان برای داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت آنها در تمام جنبه‌های زندگی، متوقف بر مناسب‌سازی است. معلولیت و چالش مناسب‌سازی در عصر حاضر حقیقتی انکارناپذیر است و جوامع پیشرفته با این حقیقت به شکل واقعی مواجه شده و برای این اقلیت بزرگ حقوقی قائلند، و به ادای آن پایبند.

مرور انتقادی منابع: این سؤال که آیا حاکمیت در تأمین دسترسی برابر، برای معلولین وظیفه‌ای برعهده دارد یا خیر؟ پرسشی است که در آثار به تحریر درآمده درباره حقوق معلولین، به آن پرداخته نشده است، و این موضوعی است که مورد نقد قرار دارد.

۱. این تحقیق بر اساس رساله دکتری با موضوع (مبانی فقهی ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولین) تنظیم شده، که در آن به موضوع مناسب‌سازی به عنوان یکی از حقوق عقلی و شرعی معلولین پرداخته شده است
- * دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- ** دکتر فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره)، (نویسنده مسئول)،
<harandi_lawyer@yahoo.com>
- *** دکتر فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ایران، تهران.

Another unanswered question is whether not using the usual infrastructure facilities of society by the disabled is due to a defect in these people or it is due to a lack of urban infrastructure

Discussion: Research has argued that since our country, Iran, is based on the Islamic state, the question arises as to whether equal access for the disabled as a right is recognized in the foundations of Islamic jurisprudence, including the Qur'an and tradition. And whether the government, on the one hand, and the Islamic community, on the other hand, have such an assignment to such a right. This article was written using analytical-descriptive method and the rules and principles defined in the ijtehad course and tried to find an appropriate answer to this question.

Awareness of the Islamic approach to disability phenomenon, while eliminating some misconceptions, has an effective impact on improving disabled people's attitude towards themselves and society's attitude towards them. Also, it is considered as a basis for the demand and supply of special services to the disabled and their other social rights.

Moreover, with the advancement of modern societies in the provision and promotion of services for the disabled, if

سؤال بی پاسخ دیگر این که، آیا اینکه امکان استفاده معلولین از امکانات زیربنایی معمول در جامعه وجود ندارد، به دلیل نقصی است که در این افراد وجود دارد، یا آن که به دلیل نقصان در زیرساختهای شهری است؟

بحث: تحقیق پیرامون این موضوع بحث کرده که از آنجا که کشور ما ایران، مبتنی بر حکومت اسلامی است، آیا در مبانی فقه اسلامی، اعم از قرآن و سنت، دسترسی برابر برای معلولین به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است؟ تا آنکه حکومت از یک سو و جامعه اسلامی از سوی دیگر نسبت به چنین حقی تکالیفی داشته باشند یا خیر؟ این تحقیق در پاسخ به این سؤال، و با روش توصیفی-تحلیلی، و با بهره گیری از قواعد و اصول تعریف شده در مسیر اجتهاد، به رشته تحریر درآمده است.

آگاهی نسبت به رویکرد اسلام به پدیده ناتوانی، ضمن زدودن برخی تصورات نادرست، تأثیر به سزایی در بهبود نگرش افراد معلول، نسبت به خود و جامعه نسبت به آنها داشته و مبنای تقاضا و عرضه خدمات ویژه به افراد معلول و سایر حقوق اجتماعی آنان است. هم چنین با پیشسازی جوامع پیشرفته در ارائه و ارتقاء خدمات به معلولین چنانچه حکومتی دینی چون کشور عزیز ما ایران، بتواند در زمان حاضر-حد اقل در مبانی نظری-همپای این کشورها گام بردارد، به طور قطع در آینده نیز در این مسابقه عقب نخواهد ماند.

یافته های پژوهش، حاکی از آن است، که عموماً و اطلاعات ادله شرعی بر حق دسترسی برابر و وجوب حضور معلولین در جامعه دلالت دارد و حاکمیت نمی تواند، و چنین حقی ندارد که به دلیل وجود نداشتن شرایط و با مسکوت گذاشتن

a religious government like our beloved Iran, cannot be present, at the present time, at least on theoretical foundations - alongside these countries, definitely in the future will move backward in this race.

Findings: The findings of the research indicated that the general and religious evidence point to the rights to equal access and the necessity of the presence of people with disabilities in the society, and the government cannot, and has no such right that due to the lack of conditions and by keeping the process of access for everyone silent, always and permanently deprive people with disabilities from social responsibilities. But the right to proper implementation and the rights to the equal access are obligatory to the government.

Keywords: disability, jurisprudence, appropriateness (of environment), equal access, positive or negative discrimination.

مناسب‌سازی و فرآیند دسترسی برای همه، همواره و برای همیشه معلولین را از مسئولیت‌پذیری و تکالیف اجتماعی محروم نماید. بلکه مناسب‌سازی و حق تساوی دسترسی، حق مسلم معلولین و ادای این حق برحاکمیت واجب است.

کلیدواژه‌ها: تبعیض مثبت یا منفی، دسترسی برابر، فقه، معلولیت، مناسب‌سازی
تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۷
تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۸

مقدمه

برای حضور معلولان در جامعه بشری، تاریخ مشخصی نمی‌توان ذکر کرد. به نظر می‌رسد این گروه همیشه در تاریخ حضور داشته‌اند. لیکن آنچه مشخص بوده است، اینکه هرگاه سخنی هم از آنان به میان آمده با نگرشی همراه با ترحم یا عناد و درشتی برخورد شده است، بدان سان که گویی جامعه

اصولاً به آنها نیازی نداشته و ندارد. برخورد با گروه معلولان تاریخچه‌ای بس طولانی دارد. اما مهم‌ترین قسمت آن را باید از سال ۱۹۸۰ به بعد جستجو کرد. زمانی که مفاهیم حقوق انسانی (بشر) در تعاریف و برخورد با آنان جلوه‌گر شد، این نگرش حتی در طبقه‌بندی افراد دارای معلولیت تأثیر گذاشت و به کلی طبقه‌بندیهای قبلی را دگرگون ساخت. در سال ۱۹۸۰ توسط سازمان بهداشت جهانی طبقه‌بندی جدیدی به نام (طبقه‌بندی بین‌المللی عملکرد،

ناتوانی و سلامت)^۱ ارائه شد، که مفاهیم تازه‌ای را در محدوده ناتوانی و معلولیت به همراه داشت.

این طبقه‌بندی برخورد جوامع انسانی با ناتوانی و معلولیت را به پنج دوره مختلف و مهم تقسیم می‌کند؛ «دوره اول یا دوره حذف و نابودسازی، که عمده کارها بر کشتن، محو و از بین بردن معلولان متمرکز بود. ... دوره پنجم یا دوره خودشکوفایی یا خودگردانی و قادرسازی که با خلق موقعیتهایی که فرد ناتوان، قادر به توسعه کامل ظرفیتهای خود می‌باشد، به ظهور رسیده است.» (معطوفی ۱۳۹۱)

سازمان ملل متحد در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶م با تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، حقوقی را برای معلولین به رسمیت شناخته، و کشورهایی که به این کنوانسیون می‌پیوندند، موظف خواهند بود، در دوره‌های زمانی مشخص گزارش عملکرد و تدابیر متخذه را به کمیته حقوق افراد دارای معلولیت تقدیم کنند. در کشور ما ایران نیز، در همین راستا و به تبعیت از جامعه بین‌المللی، در تاریخ ۸۳/۲/۱۶ قانون جامع حمایت از حقوق معلولین توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در ماده ۲ این قانون آمده است؛ کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمانها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به‌نحوی عمل نمایند، که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها را برای معلولان همچون افراد عادی فراهم نماید.

چگونگی نگرش مردم به معلولین در طرز تلقی آنها نسبت به معلولین مؤثر است. شناخت صحیح نداشتن از پدیده معلولیت و به دنبال آن نفی و در حاشیه گذاشتن و یا ترحم به آنها، به‌جای رفتارهای انسانی و منطقی، پیامدهای منفی را به بار خواهد آورد. وقتی که شرایط و

1. International Classification of Functioning, Disability and Health. (ICIDH)

ساختار اجتماعی طبیعی تلقی می‌شود، هر فردی که از لحاظ ظاهر، عملکرد و رفتار با این معیار معمول، منطبق نباشد، غیرعادی محسوب شده و از بسیاری امکانات که در دسترس افراد عادی است محروم می‌گردد؛ و در نتیجه این محرومیت هم طبیعی به حساب می‌آید. بر همین اساس افراد غیرمعلول، تصور می‌کنند، که افراد معلول به دلیل بار منفی تفاوتی که با دیگران دارند، همواره در آرزوی دستیابی به شرایط طبیعی هستند.

برخوردهای مبتنی بر تبعیض افراد غیرمعلول با معلولان بر اساس فرضیاتی است، که در مورد معلولان شکل گرفته است و مغایر با نظر معلولان در مورد پذیرش و قبول تفاوتی‌های ظاهری است. به نظر می‌رسد، اینکه اکثر پیامهایی که از افراد غیرمعلول اطراف خود دریافت می‌کنیم، بخشی از تفکر و تصور ما را نسبت به افراد دارای ناتوانی یا معلولیت شکل داده و نشان می‌دهد، که جامعه معلولیت را رد می‌کند و آنها را در سطحی پایین‌تر از یک انسان قرار می‌دهد.

این در حالیست که چنانچه حقوق معلولین از جمله حق دسترسی برابر، با توجه به اسلامی بودن حکومت و جامعه ایران، برای معلولین، یک حق شرعی قلمداد گردد، استیفای چنین حقی پیش از آنکه متوقف بر مطالبه باشد، متوقف بر اعطاء، و در نتیجه چنین حقی طبیعی نیز خواهد بود. در این صورت حاکمیت نه تنها موظف است، تمامی موانع پیش روی معلولین در برخورداری حقوق اجتماعی مساوی را مرتفع نماید، بلکه واجب است، شرایط زندگی عادی و مساوی و دسترسی برابر با دیگران را برای آنها فراهم نماید.

مرور انتقادی منابع

نگاهی به پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، هیچ یک از کتب و مقالاتی که در خصوص حقوق معلولین نوشته شده، جنبه اجتهادی نداشته و صرفاً به جمع‌آوری و انباشتن مطالب و احیاناً به جمع‌بندی آن همت گماشته‌اند و اساساً با رویکردی اجتهادی، که منتج به حکم شرعی

شود، تاکنون به مسئله مناسب‌سازی پرداخته نشده است.

و همچنین در مقالات و تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته، علاوه بر آنکه بعضاً به بخشی از اصناف معلولیت پرداخته، پژوهشی جامع، که بیانگر وظایف شرعی حاکمیت و جامعه، رابطه حقوق اجتماعی معلولین با کرامت آنها، و موضوع دسترسی برابر وجود ندارد. برای نمونه در ذیل به چند کتاب و مقاله که در زمینه حقوق معلولین به رشته تحریر در آمده اشاره می‌شود:

۱- حقوق المعاق و واجب‌الامه نحوه فی التشریح الاسلامی، اسماعیل محمد شندی - محمد محمد الشلش، ۴۳۵ق، ۲۰۱۴م.

در این مقاله پس از تقسیم‌بندی معلولیت به اقسام گوناگون، به آن بخش از حقوق معلولین که ادای آن شرعاً بر جامعه واجب است، پرداخته شده است. شیوه استدلال در این مقاله عبارت است از استناد به آیات و روایات و سنت صحابه در رفتار با معلولین.

۲- حقوق ذوی‌الاحتیاجات الخاصة فی الشریعة الاسلامیة؛ محمدبن محمود حوّا، مکه مکرمه، دارالامه، ۱۴۳۱ق/۲۰۱۰م. که شامل این مباحث است: (تعریف ذوی‌الاحتیاجات الخاصة، العوق حسی و سمعی و بصری و حرکتی و عقلی، اهلیة ذوی‌الاحتیاجات، حقوقهم فی الاسلام).

۳- نگرشی بر وضعیت حقوقی معلولان در ایران (در پرتو حمایت‌های رفاهی و مدنی دولت) سید محمدحسین نصیب، سید عبادالله جهان‌بین، سید فخرالدین جهان‌بین، منتشره در نشریه حقوق اساسی شماره ۱۶ سال ۱۳۹۰.

جنبه جدید بودن این تحقیق به آن است، که به استناد عمومات و اطلاعات ادله، بدون آنکه نوعی خاص از معلولیت لحاظ شده باشد، به شیوه اجتهادی و استنباطی به حقوق معلولین پرداخته، که به نوبه خود شیوه ای جدید در اثبات حقوق آنان، از جمله حق دسترسی برابر، در دیدگاه شرع مقدس اسلام خواهد بود.

مبانی فقهی مناسب‌سازی

شیوه بحث در این بخش آن است که چگونه ادله شرعی، اعم از قرآن و روایات بر حقوق معلولین از جمله موضوع مناسب‌سازی دلالت می‌کند و همچنین بعد از اثبات چنین حقی برای معلولین، به وظایف حمایتی و نقش جبرانی حکومت از طریق اجرای مناسب‌سازی جهت استیفای حقوق معلولین پرداخته شده است. همچنین تعهدات و وظایف افراد جامعه در قبال یکدیگر، از جمله معلولین، امری انکارناپذیر است. به گونه‌ای که جوامع بشری بدون وظایف و تعهدات متقابل دچار اختلال خواهند شد. وظایف متقابل فرد و اجتماع نیز از موضوعاتی است که به استناد آیات و روایات به اثبات رسیده است. از این رو تحقیق بر اساس ده مقوله تنظیم، و پس از بررسی موضوعات در ضمن مقوله‌ها اقدام به نتیجه‌گیری شده است.

۱- دلالت احکام تخفیفی بر لزوم مناسب‌سازی و دسترسی برابر

بحث تکلیف مالایطاق نزد متکلمان اسلامی بیش از هر موضوع به شکل تصور آنان از چگونگی توانایی انسان در انجام افعال خود (استطاعت) باز می‌گردد، که یکی از مباحث مربوط به عدل الهی در کلام اسلامی است. متکلمان در این که استطاعت شرط انجام تکالیف از سوی خداوند است، مناقشه نداشته‌اند. به عقیده متکلمان عقل‌گرا و عدل‌گرا شرایط تکلیف همچون قدرت و اختیار لازمه تکلیف است. از نظر آنها خداوند تکلیف مالایطاق نمی‌کند؛ «چون این کار قبیح عقلی دارد و خداوند چون حکیم است، فعل قبیح از او صادر نمی‌شود.» (حلی، علامه ۷۲۶ ه.ق).

اساس احکام تخفیفی مبتنی بر این آیات شریفه؛ «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا - خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند.» (بقره، ۲۸۶) و «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ - خدا برای شما خواستار آسایش است نه سختی.» (بقره، ۱۸۵)، می‌باشد.

روایات دال بر لزوم تابعیت امام در نماز از اضعف مأمومین نیز، بر رعایت حال معلولین

و افراد کم‌توان در جامعه دلالت دارد؛ «سزاوار است بر امام و بهتر، که نمازش به اندازه توان ضعیف‌ترین مأمومی باشد، که به او اقتداء کرده و نماز را طولانی نکند تا برای کسی که پشت او قرار دارد سختی بیاورد.» (حلی، ابن ادریس ۵۹۸ هـ ق) و «امام علی (ع) فرمود: در آخرین بار که حبیب دل من (ص) مرا ترک می‌کرد، فرمود: ای علی، هر گاه به نماز می‌ایستی، نماز را وفق ضعیف‌ترین کسی که پشت سر تو قرار دارد بجا آور...» (صدوق ۳۸۱ هـ ق).

در فقه اهل سنت نیز در حال اضطرار به احکام تخفیفی عمل می‌شود. طبق قواعد موجود در این مذهب در شرایط خاص، یا تکلیف از مکلف ساقط و یا به درجه‌ای پایین‌تر، نزول پیدا می‌کند. قواعدی مانند: «ضرورت معذورات را مباح می‌کند.» (السیوطی ۹۱۱ هـ ق) و «سختی موجب آسان‌گیری است.» (السیوطی ۹۱۱ هـ ق) و «در تنگناها احکام توسعه می‌یابد.» (السیوطی ۹۱۱ هـ ق)، دلالت بر موضوع دارد.

اساساً احکام تخفیفی، احکامی مبتنی بر حکم عقل است. از این جهت می‌توان آیه شریفه «خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند.» (بقره، ۲۸۶) را، حکمی ارشادی دانست.

۱-۲- نحوه دلالت احکام تخفیفی بر مناسب‌سازی

نماز جماعت یک موضوع اجتماعی است و بر امام واجب است، رعایت اضعف المأمومین را بکند، تا همه بتوانند در این فریضه اجتماعی شرکت نمایند. بر اساس آیات و روایات مذکور و احکام تخفیفی، در جامعه‌ای که امکان فعالیت برای همگان یکسان نباشد و فرآیند شبکه‌های گوناگون اجتماع و محیط، مانند؛ خدمات و فعالیتها در اختیار همگان به‌ویژه معلولان قرار نگیرد، مطالبه تکلیف از معلولین، تکلیف بمالایطاق است، که مفاد آیه «خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند.» (بقره، ۲۸۶)، بر آن دلالت دارد. علت حکم در رعایت اضعف المأمومین در نماز جماعت که یک فریضه اجتماعی است، عدم توان همراهی

کم توانان با سایرین می‌باشد. و چون همین علت در سایر امور اجتماعی وجود دارد، از طریق قیاس منصوص العله می‌توان، حکم رعایت افراد کم توان را به تمام امور اجتماعی تعمیم داد، و لزوم دسترسی برابر از طریق مناسب‌سازی را اثبات نمود.

۱-۳- انسان قوی مطلوب شریعت است نه انسان ضعیف

دین مبین اسلام طالب مؤمن قوی است و انسان ضعیف را نمی‌پسندد. «رسول خدا (ص) فرمود: در نزد خدای متعال مؤمن قوی دوست داشتنی‌تر است از مؤمن ضعیف.» (مسلم ۲۶۱ هق، حدیث)

این گونه ادله دلالت بر آن دارد، که شریعت مقدس به ضعف مؤمن و مؤمن ضعیف رضایت ندارد، در نتیجه از یک سو بهره‌ر فردی از افراد واجب است در ارتقاء توان خود در همه ابعاد بکوشد، و از سوی دیگر برحاکمیت و جامعه لازم است، شرایط ارتقاء توان اجتماعی افراد را فراهم نماید. بدیهی است، در جامعه‌ای که برای افراد سالم طراحی شده، افراد معلول دچار ضعف خواهند بود و در نتیجه غرض شارع محقق نخواهد شد، و به هر مقدار که تناسب محیط شهری از وضعیت معلولین فاصله داشته باشد، این گروه از شهروندان با ضعف بیشتری مواجه خواهند بود. پس نظر به مطلوبیت انسان قوی در شریعت، و به منظور وصول به غرض شارع واجب است، موجبات تقویت معلولین در جامعه با تحقق مناسب‌سازی و دسترسی برابر فراهم گردد.

۲- ادله مناسب‌سازی در روایات

روایات خالی از حکم و جوب مناسب‌سازی نیست. در جستجو و ردیابی در منابع فقهی و حدیثی، به روایاتی متناسب با موضوع برخورد می‌کنیم، که به وجوه گوناگون بر وجوب و یا استحباب مناسب‌سازی دلالت دارد، از جمله؛

اول- «و عن أبي ذر أن رسول الله (ص) قال: عَلِيٌّ كُلُّ نَفْسٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ صَدَقَهُ مِنْهُ عَلَى نَفْسٍ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ أَيْنَ أَتَصَدَّقُ وَلَيْسَ لَنَا أَمْوَالٌ؟ قَالَ: لِأَنَّ مِنْ أَبْوَابِ ... وَتَعَزُّلِ الشُّوْكَهْ عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ وَالْعَظْمِ وَالْحَجَرِ، وَ تَهْدِي الْأَعْمَى، وَ تَسْمَعُ الْأَصْمَ وَ الْأَبْكَمَ حَتَّى يَفْقَهُ، وَ تَدِلُّ الْمُسْتَدِلَّ عَلَى حَاجَةٍ لَهُ» - ابوذر می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: بر هر کس در هر روز صدقه ای واجب است، عرض کردم: ای رسول خدا من که مالی ندارم چگونه صدقه بدهم؟ رسول خدا (ص) در پاسخ فرمود: صدقه ابوابی دارد... که برخی از بابهای آن عبارت است از: ... برداشتن خار و استخوان و سنگ از پیش پای مردمان، و راهنمایی کردن نابینا و گوش دادن به حرف ناشنوا و لال تا این که بفهمد و استدلال برای کسی که نیاز به استدلال دارد. (مسلم بن الحجاج ۲۶۱ ه ق، حدیث: ۲۰۱۵۰)

تحلیل روایت

۱. به نظر می رسد اگر (علی) در «علی کل نفس» و «علی نفسه» بر وجوب صدقه دلالت نداشته باشد، حداقل بر استحباب آن دلالت دارد. پس برداشتن خار، موانع و سنگ از پیش پای مردم (هموار کردن راه مردم و مناسب سازی) و راهنمایی نابینا و فهماندن به ناشنوا و فهم سخن لال و... اگر واجب نباشد، مستحب خواهد بود.

۲. یکی از مصادیق صدقه پرداخت از اموال است، که چنانچه فرد تمکن مالی داشته باشد، صدقه متعین در مال است و در صورت عدم تمکن مالی صدقه به شکلی دیگر و در قالب کمک به افراد کم توان تعیین پیدا می کند، که با برداشتن موانع حرکت از پیش پای مردم و راهنمایی نابینایان، به این واجب عمل می شود.

دوم- «از امام صادق (ع) نقل شده: که رسول خدا (ص) اهتمام بر آتش زدن خانه های کسانی داشت، که در منازلشان نماز می خواندند و نماز به جماعت نمی خواندند. نابینایی نزد آن حضرت آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا، من فردی زمین گیر و نابینا هستم و گاهی

که ندای نماز را می‌شنوم، کسی نیست که مرا به مسجد واقامه نماز با توهمراهی کند. رسول‌خدا(ص) فرمود: از منزلت به مسجد ریسمانی بکش و در نماز جماعت حاضر شو.» (حلی، علامه ۷۲۶ هـ.ق، ۴: ۳۰۹)

تحلیل روایت

۱. مناسب‌سازی به ساده‌ترین شکل آن در جامعه ساده آن زمان و با اتصال ریسمان از منزل فرد نابینا تا مسجد اتفاق افتاده است.

۲. این روایت نه تنها بر ممنوع و محروم و معذور نبودن معلولین از حضور در اجتماع دلالت دارد، بلکه دلالت بر وجوب و عدم تبعیض حضور حتی افراد نابینا در فعالیتهای اجتماعی دارد.

۳. با اینکه این امکان وجود داشت، که پیامبر اسلام فردی را مأمور کند، تا در هنگام نماز جماعت فرد نابینا را به مسجد هدایت کند، لکن آن حضرت تکلیف را به خود فرد واگذار فرمودند؛ که این تصمیم حضرت را می‌توان دلیل لزوم استقلال افراد معلول و احترام به توان آنها دانست.

۳- سابقه و گونه مناسب‌سازی در روایت و تحول آن در عصر حاضر

بی‌شک جامعه نبوی، جامعه‌ای بسیط و بسیار ساده و دارای ارکان اجتماعی با جنبه‌های محدود بوده است. مقوله‌ای که با شرایط کنونی جوامع بسیار متفاوت و گوناگون بوده است. شاید امور اجتماعی جامعه نبوی را بتوان در جمعه و جماعات خلاصه کرد، لکن بدیهی است جوامع امروز بشری به شدت پیچیده و دارای شئون مختلف و متفاوت از آن زمان است. مشاغل و حرف مختلف، وظایف فردی و اجتماعی افراد در جامعه، گوناگونی ارکان جوامع و در یک کلام زندگی متجدد، به‌گونه‌ای پیچیده است، که برای اعاده حقوق معلولین،

چاره اندیشی نبی مکرم اسلام(ص) بر حل مشکل فرد نابینا در جوامع کنونی، راهگشا نخواهد بود بلکه حل مشکلات معلولین در عصر حاضر، ساز و کار مناسب خود را می‌طلبد. بی‌پروا باید گفت که پیامبر(ص) در این واقعه عقل خویش را به میزان رفع نیاز و مشکل طرح شده به‌کار بردند و حکم فرمودند: که فرد نابینا ریسمانی از منزل به مسجد بکشد و در جمعه و جماعت شرکت نماید. لکن در شرایط امروز و زندگی شهری و تجهیزات و امکاناتی که در جوامع بشری و در نتیجه نیازهای اقشار مختلف افراد بشر، از جمله معلولین و به کمک عقل بشری ابداع و تولید شده است، هیچ عقل ابتدایی نمی‌پذیرد، که برای حل مشکل نابینایان برای حضور در جامعه از چنین شیوه‌ای استفاده شود. لذا مناسب‌سازی متناسب با شرایط روز از الزامات حضور فعال معلولین در جامعه می‌باشد.

۴- مناسب‌سازی، منطقه الفراغ و شیوه عقلاء

برای اثبات وجوب مناسب‌سازی که در شریعت مغفول مانده است و یا با صراحت در آیات و روایات بیان نگردیده، لزوماً بایستی به جنبه‌های دیگری از قانون‌گذاری در شریعت رجوع کرد. وضعیت موجود معلولین در جامعه و حقوق پیش‌بینی شده این افراد در جوامع متجدد، امری بدیهی و غیرقابل تشکیک است. در جامعه اسلامی ایران نیز، این حقوق به‌طور ضمنی نه به آن بداهتی که در جوامع پیشرفته مورد پذیرش واقع شده، پذیرفته شده است. این خود دلیل آن است که حقوق معلولین بیش از آن که بر آیات و روایات مبتنی باشد، بر مصالح و عقل اجتماعی مبتنی است. لذا وضع قوانین و مقررات حقوق معلولین را می‌توان در قالب مصالح اجتماعی اسلامی ملاحظه نمود و آن را در منطقه الفراغ بررسی کرد. مبحث منطقه الفراغ مبتنی بر بیان شریف مولی‌الموحدین علی(ع) است که فرمود: «آنچه را خداوند حکم آنرا نفرموده از روی نسیان و فراموشی نبوده است.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۲) هر جا که در موضوعی، از شارع حکم شرعی معینی وارد نشده، در آن موضوع عقل

می‌تواند ورود کند و حکم لازم را صادر نماید. بر اساس منطق‌الفراغ هر جا که احکام شرعی مورد اختلاف نظر فقها باشد، نظرات اجتماعی معتبر است و اختیار انتخاب هر یک از آنها (به‌عنوان قانون) بر عهده قوه مقننه است، که بر اساس مصلحت عمومی انجام می‌دهد و به طریق اولی در موارد غیراختلافی وضع قوانین موضوعه راهگشا خواهد بود.

منطقه‌الفراغ به حوزه‌ای از زندگی اجتماعی اشاره می‌کند، که قانون‌گذاری در آن حوزه به عهده حکومت قرار گرفته است و شارع مقدس با ترک عمدی احکام الزام‌آور، در این حوزه خواسته است تا متناسب با شرایط متفاوت قانون‌گذاری شده و نیازهای زمان و مکان برآورده شود.

این پرسش قدیمی است که چگونه می‌توان یک نظام حقوقی ثابت را پاسخگوی نیازهای بشر دانست. نیازهایی که متغیرند و گاهی اصولاً نوپیدا و بی‌سابقه (مستحدثه) هستند؟ پاسخ این پرسش هم مانند خود آن قدیمی است. گفته‌اند: نه همه نیازهای بشر متغیر است و نه همه احکام شریعت ثابت است. برخی نیازهای بشر ثابت است مانند؛ نیاز او به خرید و فروش. اما برخی نیازها متغیر است مانند؛ خرید و فروش کالایی خاص و یا پیدایش شرایطی خاص در اجتماع و یا نیازهایی خاص برای گروهی خاص. یکی از لوازم جوامع کنونی و عصر حاضر، حضور فعال افراد معلول در جامعه است و از آن جا که امکانات زیربنایی شهری و ساختمان‌سازی برای استفاده اکثریت افراد جامعه احداث گردیده، حضور افراد معلول در چنین جامعه‌ای، در شرایطی غیرمساوی با افراد سالم و بدون مشکل حرکتی صورت می‌پذیرد. پس مصلحت جامعه اسلامی ایجاب می‌کند، که با تکیه بر منطق‌الفراغ، قوانینی متناسب با کم‌توانی افراد معلول تصویب کند تا از این طریق امکان حضور معلولین در جامعه و دسترسی برابر برای آنان فراهم آید.

در حوزه مسائل غیرعبادی، رویکردهای شرعی با معیارهای مورد نظر عقلایی زمان نزول وحی یا زمان حضور اولیاء خدا، هماهنگی داشته و مبتنی بر (مدارا با عقلانیت بشر در هر

زمان) بوده، که اصلی اساسی در حوزه تشریح است. ظرفیت قانونگذاری، هم در اطلاعات و عموماً ادله وجود دارد، و هم در جاهایی که دین به آن نپرداخته، لکن اجازه ورود به آن را به عقلای جامعه و عمل به مقتضیات عقل را داده است.

بنابراین امروزه توجه به حقوق معلولین از جمله حق برخورداری از دسترسی برابر، و برخورداری از فرصتهای مساوی، چیزی است که عقل بشر بر آن مقرر، و بر ادای آن تأکید دارد. لذا است که در جوامع پیشرفته به لحاظ مدنیت، می‌بینیم که حقوق معلولین از جایگاه بالاتری برخوردار است. از همین رو، به خوبی پیداست، که در جوامع پیشرفته و متمدن، موضوع مناسب‌سازی نه تنها موضوعی مفروغ عنه بوده و مجالی برای خدشه در آن وجود ندارد، بلکه اکنون در این کشورها مسئله بر سر مسابقه در توسعه در این حقوق و ایجاد سازوکارهای مناسب برای مشارکت حداکثری معلولین در جامعه مطرح می‌باشد، تا جایی که رئیس سوئدی مجمع عمومی سازمان ملل (یان الیاسون) می‌گوید: «به یاد داشته باشید کیفیت جامعه را با چگونگی رفتار آن با آسیب‌پذیرترین شهروندان اندازه می‌گیرند.» (معطوفی ۱۳۹۱)

۵- تبعیض مثبت یا منفی

ارزش بشر ذاتی و برابری و عدم تبعیض همه افراد بشر در بهره‌مندی از کلیه حقوق و آزادیها امری بدیهی است، که شامل افراد دارای معلولیت نیز می‌شود. حقوق بشر و تأکید بر نیاز معلولین به تضمین برخورداری بدون تبعیض از تمام حقوق و آزادیهای انسانی و به صورت برابر با سایرین این تفکر را به وجود می‌آورد، که به دلیل محرومیت معلولین از بخش عمده‌ای از حقوق اجتماعی، به حمایت و مراقبتهای ویژه نیاز دارند و تبعیض در مورد هر انسان بر اساس معلولیت، تضييع ارزش و کرامت انسانی اوست. از سوی دیگر «به حاشیه راندن افراد دارای معلولیت و تأکید بر ادامه وابستگی آنها نه تنها محروم کردن آنان از حقوق طبیعی است، بلکه برای خانواده و جامعه نیز پرهزینه است، در حالی که توانمندسازی

افراد دارای معلولیت برای مشارکت اجتماعی و استقلال فردی از هر منظر مقرون به صرفه می‌باشد.» (فقیه، ابوالحسن و دیگران ۱۳۸۸ ه ش، ۳۳)

در گذشته و با رویکرد (حمایتهای پزشکی) که بر جوامع حاکم بوده، سعی می‌شد با تأکید بر معلولیتها و ناتوانیهای افراد، آنان را درمان کنند. این امر سبب شده بود، که مشکل اصلی در رابطه با معلولین ناتوانی آنان باشد. اما با تغییر رویکرد به (الگوی حقوق بشری) و با تأکید بر کرامت انسانی معلولین، امروزه به دنبال راه حل مشکل در خارج از وضعیت جسمانی معلولین هستند. «در این رویکرد مشکل در شیوه طراحی جامعه است، زیرا جامعه به شکلی طراحی شده است که افرادی که می‌توانند راه بروند در آن مشارکت کنند و افرادی که بر روی ویلچر نشسته‌اند، به صورت موجوداتی کم‌فایده و نیازمند جلوه‌گر شوند.» (سازمان حقوق بشر، ۲۰۰۲)، «تبعیض در معلولیت به معنای هرگونه رجحان، استثناء و محدودیت با هدف یا دارای اثر است، که بر اساس معلولیت شکل گرفته باشد، یا مبتنی بر نفی هویت یا جلوگیری از مشارکت توسط فرد دارای معلولیت، یا بهره‌مندی وی از حقوق بشر و آزادیهای اساسی همسان با سایر افراد جامعه است.» (نظارت بر کنوانسیون حقوق، ۲۰۱۰)

«باید توجه داشت که معلولین به دلیل محرومیتهایی که در گذشته داشته‌اند و هم اکنون نیز درگیر آنها هستند تنها به صرف ایجاد فرصتهای برابر، امکان بهره‌مندی از آن را نخواهند داشت. آن چه که معلولین نیاز دارند نه رفتار برابر که (رفتار به مثابه برابر) است.» (قاری، سیدفاطمی، ۱۳۸۷) بنابراین مهم‌ترین عنصر برای تحقق دسترسی برابر، تبعیض مثبت یا اقدامات جبرانی است، که برعهده حاکمیت و جامعه قرار دارد.

زشت‌ترین شکل ظلم اجتماعی وجود تبعیض بین افراد جامعه است؛ در مقابل یکی از وجوه عدالت اجتماعی برخورداری یکسان از امکانات زیربنایی جامعه و فرصتهای برابر

1. Human Rights Instruments
2. Monitoring the Convention on the Rights

می‌باشد. آیات و روایات بر نفی تبعیض و عدم برتری کسی بر دیگری در امور مدنی دلالت دارند. آیه شریفه «هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.» (حجرات، ۱۳) و حدیث «هر آنچه که برای خود می‌پسندی برای آنها بپسند و هر آنچه که برای خود نمی‌خواهی برای آنها مخواه.» (امام سجاده-ع- رساله حقوق)، بر نفی تبعیض دلالت دارد. این ادله دلالت بر آن دارد، که شارع مقدس تبعیض را نمی‌پسندد. بی‌شک برخورداری گروهی (اکثریت جامعه) و محرومیت اقلیتی (معلولین) از مواهب و حقوق اجتماعی از مصادیق بارز تبعیض بوده، و شارع مقدس به آن رضایت ندارد. حق برخورداری از فرصتهای مساوی، قابل اعطا شدن از سوی دولت به افراد نیست، بلکه باید آن را رعایت کرد تا درباره به‌وجود آمدن آن ادعایی داشت. حکومت موظف به اجرا و رعایت حقوق شهروندی است. جامعه‌ای که برای استفاده گروه اکثریت طراحی شده باشد و دچار نابرابری فرصتها باشد، جامعه‌ای تبعیض‌آمیز خواهد بود، که شارع مقدس بدان رضایت ندارد. در نتیجه رفع تبعیض و دسترسی برابر، از طریق مناسب‌سازی بر حاکمیت لازم و ضروری است.

۶- کرامت انسانی و استقلال فردی

از آثار و پیامدهای مناسب‌سازی و تأمین فرصتهای برابر، حفظ کرامت انسانی و استقلال فردی است. برطرف نمودن موانع شهری برای حضور مستقل معلولین می‌تواند، کرامت انسانی معلولین را فراهم نماید. «یکی از ویژگیهای جامعه دین‌مدار، اخلاق اجتماعی (کرامت‌محور) است، به گونه‌ای که می‌توان حفظ کرامت دیگران را اساسی‌ترین رکن در اخلاق اجتماعی انسان دین‌دار دانست. از منظر قرآن کریم کرامت انسان همزاد و همراه با خلقت جسمانی اوست، یعنی نوع انسان (کریم) خلق شده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است حفظ و توسعه کرامت او در گرو ارتباطات جمعی و گروهی است.» (فاضلیان ۱۳۸۱)، «محیط اجتماعی، فرهنگی و... جامعه باید به گونه‌ای رشدیافته باشد، تا نگرشهای (تحقیرآمیز) و

یا ترحم‌آمیز (به اقلیتها اعم از رنگین‌پوستان، زنان، معلولان و...) نتواند مانع حضور آنها در فضای عمومی جامعه شود. انگشت اشاره و نگاهها، برچسبها، تمایزها و نقصها نباید بر شخصیت و کرامت ذاتی نوع انسان تأثیر بگذارد و حضور فعال آنها را در عرصه اجتماعی جامعه مخدوش نماید.» (قاری سید فاطمی ۱۳۸۲)

عمده‌ترین ضعف سازوکارهای قانونی که سبب نادیده گرفتن این حق و سایر حقوق معلولان شده را می‌توان در «نگاه ترحم‌محورانه» و نه «رویکرد حق‌مدارانه» در این زمینه دانست، که به تبع آن همواره عناوین مقررات قانونی را با واژه (حمایت) آغاز می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ - ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.» (اسراء، ۸) خداوند در میان ویژگیهای مثبت انسانی از کرامت و بزرگواری و مناعت انسان سخن می‌گوید و آن را از امتیازات انسان می‌شمارد، که به او ارزانی داشته است.

علاوه بر امتیازات یاد شده یک ویژگی دیگر انسان، که او را متمایز می‌سازد، حس استقلال‌طلبی، بزرگ‌منشی و سیادت او است. این همان کرامت ذاتی انسان است که به او ارزانی داشته و پایه اساسی حقوق طبیعی انسان به حساب آمده است. بر این مبنا است که امروزه بشریت با الهام از فطرت طبیعی خود و آموزش ادیان متعالی توحیدی، سازمان دفاع از حقوق بشر را تأسیس کرده و از حقوق اساسی، استقلال، کرامت و سیادت ملتها دفاع می‌کند. این معارف در تعالیم اسلامی به طرق مختلف بیان شده است. «امام صادق(ع) می‌فرماید: شایسته نیست که انسان مؤمن نفس خود را ذلیل نماید.» (کلینی ۳۲۹ ه.ق)

نداشتن استقلال فردی و وابستگی به دیگران و توصل به استمداد از دیگری با کرامت انسانی تعارض دارد و این مهم را دچار خدشه می‌کند. استقلال حق اولیه همه افراد است و هر کس میل دارد، که امور خویش را به دست خود سامان دهد. دست نیاز به سوی دیگران دراز کردن، با منش و مناعت انسانی منافات دارد. معلولی که برای انجام امور روزمره خود و به دلیل مناسب‌سازی نشدن حوزه‌های مختلف، وابسته است، دائماً مجبور خواهد بود

دست نیاز و درخواست کمک به سوی دیگران دراز کند، درحالی که این اعلام نیاز کرامت و استقلال او را زایل می‌کند. طبیعی است که استقلال در امور شخصی و کرامت انسانی معلولین از رهگذر مناسب‌سازی و تأمین دسترسی برابر فراهم خواهد شد، زیرا در فضایی که شرایط برای معلولین فراهم نباشد، فرد مجبور خواهد شد، برای برآوردن نیاز خویش دست نیاز به سوی دیگران دراز کند و در نتیجه به ذلت تن دهد. «امام صادق(ع) فرمود: خدارحمت کند کسی را که غفت داشته باشد و از درخواست از دیگران امساک نماید، زیرا خواهش از دیگران در دنیا و آخرت ذلت را به همراه خواهد داشت و چیزی عائد انسان نمی‌کند.» (صدوق ۳۸۱ هـ. ق، ۱۸۴)

۷- حق برخورداری از زندگی متعارف و مناسب‌سازی

عبارت «یکسان‌سازی فرصتها» یعنی فرآیندی که از طریق آن شبکه گوناگون اجتماع و محیط، مانند خدمات، فعالیتها، اطلاعات و ارائه مدرک و سند، در اختیار همگان به‌ویژه معلولان قرار می‌گیرد. اصل حقوق یکسان و برابر به این معنی است که نیازهای همه افراد دارای اهمیت یکسان است و این نیازها باید مبنای برنامه‌ریزی جوامع قرار گیرد و داشتن فرصت برابر، برای مشارکت یکسان برای همه تضمین شود.

اهمیت و ضرورت مناسب‌سازی هنگامی آشکار می‌شود، که بدانیم استیفای عمده حقوق معلولین متوقف بر آن است. به‌طور مثال، بر اساس قانون جامع حمایت از حقوق معلولین، حق تحصیل رایگان معلولان در واحدهای آموزشی به رسمیت شناخته شده است. اما اگر امکان دسترسی فرد معلول به این واحدها از جهت تأمین وسیله نقلیه مناسب، از جهت محیط فیزیکی و یا وسایل آموزشی مناسب فراهم نباشد، حق فوق غیرقابل استیفا خواهد بود. «کنوانسیون حقوق معلولان در ماده ۹ تعهدات کشورهای عضو را در خصوص مناسب‌سازی محیطهای فیزیکی آموزشی و اجتماعی برای معلولان بیان می‌نماید.» (کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت)

زندگی متعارف عبارت از آن شکل و نحوه زندگی است، که اکثریت اجتماع از آن و امتیازات آن برخوردار هستند. در هر جامعه‌ای حقوق و امکانات زیربنایی اولیه‌ای برای سهولت زندگی اجتماعی افراد لازم است، که میزان و مقدار و چگونگی آنرا عرف تعیین می‌کند. در جوامع توسعه یافته مانند؛ کشورهای اروپایی نوع و میزان این امکانات در یک سطح و در کشورهای در حال توسعه در سطحی دیگر، و در کشورهای عقب‌مانده نیز در سطحی دیگر قرار دارد. تأمین اجتماعی در هر سطحی از جوامع مذکور، از ضروری‌ترین حقوق اجتماعی، و مناسب‌سازی و فرصتهای برابر از اولیه‌ترین آنها است. تأمین برخورداری از منافع زندگی اجتماعی به نسبت‌شان و جایگاه افراد، بر حاکمیت واجب و لازم است. دولتها حق ندارند به محرومیت کسانی که به دلیل معلولیت، از برخی از مواهب اجتماعی محروم هستند، نظاره‌گر باشد.

حق برخورداری از زندگی متعارف و دسترسی برابر به تمامی امکانات زیربنایی، حق همه افراد جامعه است. در جامعه علوی، تمام مردم حق برخورداری از زندگی آبرومندانه و مطابق با شأن خویش را دارا هستند. آنان شایستگی استفاده از نعمتهای الهی را دارند و هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل معلولیت از بهره‌مندی حقوق شهروندی و زندگی متعارف محروم کرد.

«اهل کوفه هیچ شبی را صبح نمی‌کنند، مگر آنکه پایین‌ترین اقشار آن از نعمات می‌خورند، و در سایه‌ها می‌نشینند و از آب فرات می‌نوشند.» (ابن شعبه حرانی ۳۸۱ هـ.ق) «علی(ع) پیرمردی را دید که تکدی می‌کرد. حضرت فرمود: این کیست؟ گفتند: ای امیرالمؤمنین، فردی مسیحی است. حضرت فرمود آن موقع که توان داشت از او کار می‌کشیدید، حال که پیر شده و توان ندارد او را رها کرده‌اید؟ از بیت‌المال به او بپردازید...» (طوسی ۴۶۰، هـ.ق)

اظهار تعجب امام علی(ع) نسبت به تکدی‌گری یک شخص، و لزوم وانگذاشتن او به حال خود، دلیل بر آنست که جایز نیست حکومت در دوره سلامت افراد، با آنها همراه باشد،

و در هنگام معلولیت آنها را به حال خود رها نماید. لازمه برخورداری از زندگی متعارف و همسان با دیگر افراد برای معلولین، امکان حضور و بهره‌مندی از مواهبی است، که همگان از آن سود می‌جویند. موانع موجود شهری و ناممکن بودن استفاده معلولین از امکانات شهری، آنها را از داشتن یک زندگی متعارف محروم می‌کند. در نتیجه بر حکومت واجب است، که زمینه زندگی متعارف را از طریق تحقق مناسب‌سازی و تأمین دسترسی برابر، برای معلولین فراهم کند.

۸- پاسداشت حریم خصوصی و مناسب‌سازی برای معلولین

«هرکس به حریم دیگری تعدی کند کشتش حلال است.» (فقه الرضا، ۳۱۰)، حریم خصوصی به‌عنوان یک ارزش اجتماعی و حق قانونی، طیف گسترده‌ای از حقوق مربوط به استقلال شخصی را که به‌عنوان «حق به حال خود گذاشتن» یا «عدم مداخله در امور خصوصی دیگران» شناخته شده است، شامل می‌شود. برخی بر این باورند که: «حق خلوت آدمیان، ملاک مفهومی محدود ندارد.» (نوری، نخجوانی ۱۳۸۲)

دین مبین اسلام برای حریم خصوصی و حفظ اسرار مردم، ممنوعیت ورود به منزل و خلوت اشخاص و منع تجسس در امور دیگران، جایگاه ویژه‌ای قائل شده است. خداوند متعال یکی از مصادیق حق خلوت و حریم خصوصی را مصونیت خانه‌ها برشمرده است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌ای غیر از خانه خود، بی آنکه اجازت طلبیده و بر ساکنانش سلام کرده باشید، داخل مشوید.» (نور، آیات ۲۷ و ۲۸)

«از نقطه نظر حقوقی این اصطلاح به مفهوم حوزه‌ای خصوصی و تعرض‌ناپذیر از حیات فردی انسان است، که در رابطه اشخاص با حکومت و روابط میان مردم مصون از تعرض است. در این مفهوم اصطلاح حریم خصوصی معادل عبارت (right Privacy) یا عبارت (right Privacy the to) به معنای حق خلوت در زبان انگلیسی می‌باشد...» (نمکدوست، ۱۳۸۵)

بی‌شک یکی از لوازم برخورداری از حریم خصوصی و حفظ این حریم، برخورداری از استقلال فردی است، به‌گونه‌ای که فرد برای امور روزمره خویش مجبور نباشد، دیگری را به حریم خود راه دهد. وابستگی در سایه مناسب‌سازی نکردن، عاملی مهم در ورود غیر به حریم خصوصی معلولین خواهد بود و در این صورت فرد معلول از بدیهی‌ترین حق شرعی و اجتماعی خود محروم می‌شود. برای ملموس و محسوس بودن موضوع به مثالهای زیر توجه شود؛

- فرض کنید فرد معلول برای تهیه یک کپی ساده از مدارک خود، دسترسی مستقیم و بدون واسطه به محل مورد نظر نداشته باشد، و در نتیجه ملزم باشد، مدارک مهم خود را برای گرفتن کپی به شخص دیگری بدهد. بدیهی است او در اثر وابستگی مجبور خواهد شد، با دست خود و علی‌رغم میل باطنی‌اش، دیگری را در حریم خویش وارد کند.

- و یا مثلاً شخص معلول به دلیل عدم دسترسی به سیستم بانکی برای انجام این امور مجبور باشد، مدارک مالی خود را در اختیار غیر قرار دهد.

- و یا فرد معلول به دلیل ناممکن بودن استفاده مستقل از سرویسهای بهداشتی یک ساختمان مجبور به کمک گرفتن از دیگری باشد و غیر را در خصوصی‌ترین حریمش راه دهد. هم‌چنین صدها مثال از این دست که موجب بهم خوردن خلوت و حریم خصوصی افراد معلول خواهد شد.

پس باید پذیرفت، یکی از مقدمات حراست از حریم خصوصی معلولین، فراهم کردن استقلال اجتماعی از طریق مناسب‌سازی و امکان دسترسی برابر با دیگران، می‌باشد.

۹- عدالت اجتماعی

آنگونه که گفته شده است: «اساس حکومت عدالت است.» و شریعت اسلام اقرار به این حق اساسی نموده است. خداوند می‌فرماید: «خدا به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان

فرمان می‌دهد،» (نحل، ۹۰) آیات قرآن کریم به شکل متضاهر تأکید بر ارزش عدالت و شمول آن بر همه انسانها با هر رنگ و زبان دارد. حکومت در اسلام ابزاری برای اجرای قانون و احقاق حق محرومان و تحقق عدالت دانسته شده است. «و باید روش میانه در بین مردم نزد تو دوست داشتنی تر باشد و روش عام تو باید رفتار بر اساس عدالت باشد... همانا بهترین نور چشم والیان اقامه عدالت در شهرها و اظهار دوستی با رعیت است.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۹-۱- وظیفه حاکمیت در اقامه عدالت برای معلولین با اجرای مناسب‌سازی

«تشکیل حکومت حق، برای جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی که بزرگانی مانند سلیمان بن داود و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگ‌ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است.» (امام خمینی ۱۳۸۸) از اهم وظایف حاکمیت و دولت، بلکه از واجبات آن، به دلیل سلطه‌ای که بر امور دارد، رعایت امور انسانها و ضعفاء است. «رسول خدا(ص) فرمود: همه شما نگهبان و همه مسئول هستید، و امام نگهبان، و در برابر مردم مسئول است...» (البخاری ۲۵۶ هـ ق)

حاکم و امام نسبت به رعیت در حکم ولی نسبت به یتیم است و در اداره امور او بایستی رعایت مصلحت آنها را بکند. «رسول خدا می‌فرماید: چنانچه امیری از امیران که بر مسلمانان ولایت دارد، همانگونه که برای خود تلاش می‌کند و خیرخواه خود است، برای آنان نیز تلاش و خیرخواهی داشته باشد، با آنان وارد بهشت می‌شود.» (مسلم ۲۶۱ هـ، باب استحقاق الوالی الغاش لرعیته النار)

عدالت فراگیر به گونه‌ای که شامل معلولین نیز بشود، از واجبات حاکم اسلامی است. از این رو حکومت باید برای حفظ و حراست از حقوق معلولین از جمله تأمین دسترسی برابر، قوانین لازم را تصویب و هنگام تعدی دیگران به حقوق معلولین تمام قد از آن دفاع کند. «خدارا! خدارا! برای طبقه پایین جامعه بترسید، کسانی که راه چاره ندارند، از جمله مساکین

و محتاجان و گرفتاران وزمین گیر شدگان...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) «امام حسین (ع) علما را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: چرا در شهرها به امور نابینایان و معلولین قیام نمی‌کنید و با آنان به مهر رفتار نمی‌کنید؟» (ابن شعبه حرانی ۳۸۱ هـ.ق، ۲۹۵)

عدالت در دسترسی و فرصتهای برابر به‌عنوان ذی‌المقدمه بر حاکمیت واجب، و وضع قوانین در حوزه موضوع مناسب‌سازی از باب مقدمه واجب، واجب است.

۹-۲- عدالت فضای شهری در رابطه با معلولین و مناسب‌سازی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های اخیر از هم‌پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری بوده که زمینه‌ساز نابرابری شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. «(حاتمی‌نژاد، ۱۳۷۸) «این امر مدیریت شهری را نه تنها در ارائه خدمات عمومی با مشکل روبه‌رو ساخته است، بلکه در عصر جهانی شدن مدیریت کارآمد و اثربخش را به یک مدیریت منفعل و اقتضایی مبدل ساخته است.» (وارثی، ۱۳۸۷) «در حالی که یکی از عمده‌ترین عناصر ارتقاء دهنده کیفیت محیط شهری، توسعه شاخصهای دسترسی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می‌شود.» (رهنما، ۱۳۸۵)

«بی‌عدالتی را نمی‌توان فقط محدود به سنجش نابرابریهای اقتصادی دانست.» (مارتینز، ۲۰۰۵) «چرا که فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری شده است.» (سوجا، ۲۰۰۶) «و هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمایان می‌شود.» (دوفاکس، ۲۰۰۸) «عدالت فضایی طبق ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده است، به این معناست؛ که باید با ساکنین در هر جایی که زندگی می‌کنند، به طور برابر رفتار شود.» (تسو، ۲۰۰۵).

1. Martnez
1. Dufaux

1. Soja
1. Tsou

«کارایی همچون عدالت یکی از اصول بنیادی شهرسازی در ساماندهی فضاها و فعالیتهای شهری است. کارایی در توزیع خدمات عمومی شهری مکمل عدالت فضایی است. کارایی در واقع به معنای ایجاد سازمان فضایی و عملکردی مناسب در مکان‌گیری فعالیتها و همچنین تأمین ارتباطات لازم بین عملکردها و استفاده‌کنندگان، برای بالا بردن میزان کارآمدی در کارکردهای شهری است.» (سعیدنیا، ۱۳۸۳) بنابراین مهم‌ترین رسالت برنامه‌ریزان و مدیران شهری در این زمینه، تلاش برای دستیابی به آرمان «برابری فرصتها» در دسترسی گروههای مختلف جامعه شهری به خدمات عمومی و از بین بردن تبعیض در تأمین فرصتها و اجرای جامع مفهوم عدالت است.

۹-۳- عدالت گردشگری در منابع فقهی

مبنای قرآنی گردشگری آیه شریفه «بگو: در روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.» (انعام، ۱۱)، می‌باشد. سفر امری است که نه تنها شریعت اسلام به آن تأکید دارد، بلکه موضوعی عقلایی است. ره آورد سفر منافع مادی و مالی و نیز سلامتی روح و روان است. از طریق سفر انسان تجربه‌ها می‌اندوزد و با فرهنگها و آداب و رسوم آشنا می‌شود. «امام صادق(ع) فرمود: سفرکنید تا سالم بمانید، سفرکنید تا غنائم را به‌دست آورید.» (البرقی، ۲۷۴ هـ.ق) «علی(ع) می‌فرماید: رسول خدا فرمود: سفرکنید تا غنائم به‌دست آورید، روزه بگیرید تا سالم بمانید...» (ابوحنیفه، ۱۵۰ هـ.ق) «از پیامبر اسلام (ص) آمده است: «سفرکنید تا سالم بمانید و کسب روزی کنید.» (المتقی الهندی، ۹۷۵ هـ.ق).

گردش و تنزه، از جمله امور عقلایی است که نمی‌توان منکر فایده‌های روحی و روانی آن شد. «راوی می‌گوید: برامام صادق(ع) وارد شدم درحالیکه ایشان در منزل برادرش عبدالله بن محمد بود، عرض کردم: به چه منظور به اینجا آمدی؟ فرمود: برای تفریح.» (البرقی، ۲۷۴ هـ.ق) و «از امام رضا(ع) نقل است، که فرمود: «ما برای گردش و تفریح خارج شدیم، در

حالی‌که غلامان فراموش کردند نمک به‌همراه بیاورند، سپس گوسفندی برای ما ذبح کردند.»
(عاملی، ۱۱۰۴ ه.ق)

۹-۴- عدالت در گردشگری معلولین و رابطه آن با مناسب‌سازی

عبارت (سَبْرُوا) و (انظُرُوا) در آیه شریفه (انعام، ۱۱) و کلمه (سَافِرُوا) در روایات عام و معلولین را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد. پس به‌این ترتیب معلولین نیز مشمول حکم در آیه و روایات هستند. تحقق ادله فقهی سفر و گردشگری معلولین متوقف بر مناسب‌سازی است. سفر یکی از فعالیت‌هایی است که بخش بزرگی از معلولین در حالی که به‌آن علاقمند هستند، از پرداختن به آن محرومند. سفر برای بسیاری از این افراد چالشی است، که فائق آمدن بر آن، تنها در گرو همت خود این افراد و خانوادگانشان قرار ندارد.

«دسترسی، باید از همان آغاز مدنظر قرار گیرد. قرار نیست مدیران مقصد منتظر بازخورد از سوی گردشگران بمانند و بجای داشتن رویکردی فعال تنها در مقابل کاستیها واکنش نشان بدهند. مسئولیت عرضه‌کنندگان در صنعت گردشگری این است، که با رعایت اصول برابری و احترام به حقوق شهروندی، خدمات خود را به‌گونه‌ای طراحی و عرضه نمایند، که برای افراد دارای معلولیت و ناتوانی نیز قابل استفاده باشد.» (مدنی ۱۳۹۴)

گرچه در قوانین اعم از مصوبات مجلس، قوانین مستقل وزارتخانه‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه، برای موضوع مناسب‌سازی شهری، قوانینی به تصویب رسیده، لکن خلاء قانون گردشگری برای معلولین کاملاً مشهود است. لازم و ضروری است که حاکمیت برای بهره‌مندی معلولین از دسترسی برابر در حوزه گردشگری و تجربه لذت سفر، قوانین مناسب را به تصویب برساند.

۱۰- تضامن اجتماعی و مناسب‌سازی

«رسول خدا(ص) فرمود: «مؤمنان برای یکدیگر به مانند پشتیبانی محکم هستند، که برخی، برخی دیگر را حمایت می‌کنند.» (البخاری، ۲۵۶ ه ق)، «مثال مؤمنین در دوستی، رحمت و عطفوت به مثابه یک جسم است، که هر گاه عضوی از آن شکایتی کند، سایر اعضاء صمیمانه پاسخ می‌دهند.» (البخاری ۲۵۶ ه ق)

در دوران گذشته و جوامع ساده پیشین که پیوندهای خانوادگی مستحکم و تعهدات فرد صرفاً در محدوده خانواده معنا داشت، فرد تنها نسبت به خانواده و خانواده نیز نسبت به افراد تعهداتی داشته‌است؛ لکن در عصر حاضر با تشکیل جوامع بزرگ بشری، ساز و کار اداره این جوامع خصوصیات خود را می‌طلبد، و بخشی از این خصوصیات، معاهدات و احکام اجتماعی است. افراد شهردار را انتخاب می‌کنند تا امور مربوط به شهر را اداره نماید، رئیس جمهور و حاکم انتخاب می‌کنند تا در جامعه بزرگ‌تر به نام کشور برای آنان امنیت اقتصادی، فرهنگی و شهروندی فراهم نمایند. مالیات و بیمه می‌پردازند تا در موقع بیماری و معلولیت آنها را تحت پوشش قرار دهد.

مردم در اجتماع به مثابه سلولهای بدن هستند. اجتماع نسبت به سلولهای خود وظایفی دارد، که نمی‌تواند از آن شانه خالی کند، و مثلاً هنگام بیماری و یا معلولیت آن را نفی کند. افرادی که در قالب یک جامعه زندگی می‌کنند، خواسته یا ناخواسته، نوشته یا نانوشته، با جامعه خود یک رابطه تضامنی دارند، به‌گونه‌ای که گویی در یک شرکت، دارای منافع مشترک هستند و در صورت مواجهه با ضرر و آسیبه‌ها در برابر یکدیگر مسئول هستند. و از آن جا که معلولیت یک صدمه فردی و اجتماعی است، هر گاه یکی از افراد جامعه دچار معلولیت شود، بر حاکمیت لازم است، از باب تضامن در حقوق، این خسارت را جبران نماید. یکی از وجوه جبران معلولیت، مناسب‌سازی و تأمین دسترسی برابر و تقبل هزینه‌های آن توسط جامعه و حکومت است.

پرداخت مالیات از سوی مردم به حاکمیت به منظور جبران خسارت در شرایط خاص است، و از جمله این شرایط، معلولیت افراد در جنگها و حوادث است. بر اساس معاهده متقابل حاکمیت با افراد، برحاکم اسلامی واجب است، که شرایط زندگی متعارف و برابر با دیگران را در شرایط خاص، برای معلولین فراهم نماید و موضوع مناسب‌سازی برای معلولین از این وجوب مستثنی نیست. گرچه به دلیل بسیط بودن جامعه در صدر اسلام و ابتدای حقوق بر محور قبیله و عشیره، شارع مقدس صراحتاً به حقوق و احکام معلولین ورود نکرده است و تنها از طریق مفاهیم و اطلاقات آیات و روایات می‌توان به این حقوق دسترسی داشت، با این وجود احقاق حقوق معلولین، از جمله مناسب‌سازی را می‌توان از طریق تعهدات و معاهدات اجتماعی و تضامن میان فرد و اجتماع تعریف نمود. مفاد آیات «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» - آنان که امانتها و پیمانهای خود را مراعات می‌کنند. (مؤمنون، ۸)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمانها وفا کنید. (مائده، ۲) و قاعده «المؤمنون عند شروطهم» - مؤمنان باید به شروطشان عمل نمایند. (البخاری ۲۶۵ هـ ق، کتاب الاجاره)، دلالت بر وجوب عمل به معاهدات اجتماعی از سوی حاکمیت در برابر عموم مردم دارد.

بحث:

مشکلات شهرهای امروز را می‌توان در توزیع ناعادلانه خدمات شهری ریشه‌یابی کرد. بنابراین مهم‌ترین رسالت و وظیفه برنامه‌ریزان و مدیران شهری، تلاش برای دستیابی به آرمان (برابری فرصتها) در دسترسی برابرگروههای مختلف جامعه شهری به خدمات عمومی و از بین بردن نابرابری در تأمین فرصتها و تحقق مفهوم عدالت است.

استیفای حقوق معلولین و توانمندسازی معلولان برای داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت آنها در تمام جنبه‌های زندگی، متوقف بر مناسب‌سازی است. و از آن‌جا که

معلولیت که یک صدمه فردی و اجتماعی است، هرگاه یکی از افراد جامعه دچار معلولیت گردد، بر حاکمیت لازم است بر اساس معاهدات اجتماعی میان حکومت و افراد شرایط زندگی متعارف و برخوردارگی مساوی با دیگران را، برای معلولین فراهم نماید.

گرچه عموم و اطلاق ادله از قبیل؛ احکام تخفیفی، حریم خصوصی، عدالت اجتماعی، واصل لزوم عدم تبعیض و تضامن اجتماعی میان فرد و اجتماع، برحق برخوردارگی از «فرصتهای برابر» میان معلولین و دیگران دلالت می‌کند و می‌توان از مجموع ادله وجوب مناسب‌سازی را استظهار نمود، لکن لزوم مناسب‌سازی و دسترسی برابر، بیش از دلالت این ادله، مبتنی بر حکم عقل است.

حقوق معلولین از جمله حق دسترسی برابر، بر حاکمیت و جامعه واجب و مناسب‌سازی از باب مقدمه واجب، واجب است و همچنین چون حق و تکلیف متلازمند یعنی هرگاه دلیلی برحق یا تکلیفی دلالت داشته باشد، متقابلاً به دلالت التزام، دیگری را هم اثبات می‌کند. نتیجه آن‌که پس از اثبات حق دسترسی برابر برای معلولین، ادای چنین حقی بر حاکمیت تکلیف خواهد بود.

با عمل به ادله شرعی و تأمین امکان «دسترسی برابر» و برخوردارگی از مواهب اجتماعی برای معلولین، می‌توان بارقه امید به زندگی و ایمان به پالسخگو بودن دین در تحقق عدالت اجتماعی فراگیر را، در وجود معلولین زنده نمود و در نتیجه باور دینی را در آنها تعمیق بخشید و زندگی بهتری را برایشان رقم زد.

- قرآن کریم. ترجمه عبدالمحمد آیتی. جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- نهج البلاغه. سید رضی، محمد بن حسین موسوی، ۴۰۶ ه. ق. قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن ابن علی ابن حسین، ۳۸۱ ه. ق. تحف العقول. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. دعائم الإسلام، ج ۱. قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ ه. ق.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، ۲۵۶ ه. ق. صحیح بخاری، کتاب النکاح. قاهره، نشر دار الحديث.
- البرقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، ۲۷۴ ه. ق. المحاسن. قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه. ق.
- السيوطی، عبدالرحمن بن أبي بكر، جلال الدين، ۹۱۱ ه. ق. الأشباه والنظائر. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- المتقی الهندی، علاء الدين علی بن حسام الدين، ۹۷۵ ه. ق. كنز العمال فی سنن الأتوال والأفعال. هند، مؤسسه الرساله.
- امام خمینی، حضرت آیت الله العظمی سید روح الله مصطفوی خمینی، ۱۳۸۸. کتاب البيع. تهران، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام رضا (ع). فقه الرضا. منسوب به علی بن موسی علیهما السلام. مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ۱۴۰۶ ه. ق.
- امام سجّاد (ع). رساله حقوق. ترجمه نراقی. قم، ناشر مهدی نراقی. ۱۳۸۹.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۷۲۶ ه. ق. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، جلد ۴. مشهد، ناشر مجمع البحوث الإسلامیة. ۱۴۱۲ ه. ق.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۷۲۶ ه. ق. الرسالة السعدیة. بیروت - لبنان، دار الصفوة، ۱۴۱۳ ه. ق.
- صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، ۳۸۱ ه. ق. نواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم، دارالشریف الرضی للنشر. ۱۴۰۶ ه. ق.
- صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، ۳۸۱ ه. ق. من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه. ۱۴۱۳ ه. ق.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۴۶۰ ه. ق. تهذیب الأحکام، ج ۶. تهران، دارالکتب الإسلامیة. ۱۴۰۷ ه. ق.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن. ۱۱۰۴ ه. ق. وسائل الشیعة. قم. مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ۱۴۰۹ ه. ق.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، جلد ۲.

- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب. م. ۳۲ هـ. *الکافی*. تهران، دارالکتب الإسلامیة. ۱۴۰۷ هـ.ق.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن، ۲۶۱ هـ.ق. *صحیح مسلم*. ناشر، دار طیبة. ۲۰۰۶ م.
- *معلولیتها، راهنمای تطبیق و اجرای اثر بخش میثاق جهانی حقوق افراد دارای معلولیت*. (ترجمه فقیه و دیگران، ابوالحسن)، اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور. ۱۳۸۸.
- حاتمی نژاد، حسین. تحلیل نابرابریهای اجتماعی در برخورداری از کاربریهای خدمات شهری. *مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی*، شماره ۶۵. ۱۳۸۷ ش.
- رهنما، محمد رحیم. اندازه گیری تغییرات دسترسی در منطقه مادر شهر سیدنی. *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۷. ۱۳۸۵ ش.
- سعیدنیا، احمد. کتاب سبز راهنمای شهرداریها، جلد اول. انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، چاپ چهارم. ۱۳۸۳ ش.
- سیدفاطمی، سید محمد قاری. تحول گفتمانی: حقاها و آزادیهای معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر. *پژوهشهای حقوقی*. نیمسال اول، شماره ۱۳، ص ۱۵۹. ۱۳۸۷ ش.
- فاضلیان، سید محمد جواد. اخلاق اجتماعی کرامت محور. *مجله بشارت*، شماره ۶۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
- معطوفی، رضا. *مقاله ای در مورد معلولین*. ۱۳۹۱. <http://iransdp.com>
- نمکدوست، حسین. اخلاق حرفه ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات. *نشریه اطلاع رسانی و کتابداری*، شماره ۶۶ تابستان ۱۳۸۵.
- نوری، محمد و رضانخجوانی. حقوق حمایت داده ها. تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳ ش.
- وارثی، حمید رضا. بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی. *نشریه جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۱. ۱۳۸۷ ش.
- <https://appru.net/app/1205115327>
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (تاریخ رویت ۱۳۹۴/۳/۲۲)
- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94044>
- قانون جامع حمایت از حقوق معلولین (تاریخ رویت ۱۳۹۴/۲/۱۳)
- Dufaux, Frederic, Birth Announcement, *Justice Spatial/Spatial Justice*, 2008.
- *Human Rights Instruments In The Context Of Disability, United Nation*, New York & Geneva, 2002 .
- *(Icidh) International Classification of Impairments, Disabilities, and Handicaps*
- Martnez, Javier, *Monitoring Intra Urban Inequalities With GIS-Based Indicators: With A Case Study In Rosario, Argentina*, Utrecht University, 2005.

- Monitoring The Convention On The Rights, *Series*, No.17, Newyork And Geneva, 2010.
- Soja, Edward, *The City And Spatial Justice, Justice Spatial/Spatial Justice*, 2006.
- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting Hung , and YaoLin Chang. (2005), An accessibilitybased integrated measure of relativespatial equity in urban public facilities, *Cities*, Vol.22 No. 6, pp: 424–435.

Archive of SID